

www.ketab.ir

جگر همیشه رود و
درخت و پرندۀ نیست

| مجموعه شعر الهام ریزوندی |



انتشارات اقلیم

المشیر محمدی ارمین



انتشارات اقلیما

ناشر: دفتر تحقیقات ادبیات
شعر-۴۳

جنگل همیشه رود و درخت و پرند و زندگی
مجموعه شعر الهام ریزوندی |

ناشر: انتشارات اقلیما | طراح جلد: علی رضا رضایی | مهدی جانی پور
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۴۲۶-۱۰-۴ | چاپ اول: ۱۳۹۴ | تیراژ: ۱۱۰۰ جلد | ۷۰۰۰ تومان
لیتوگرافی و چاپ: رضوان | دفتر نشر اقلیما: تهران، صندوق پستی ۱۴۶۶۵-۸۹۹
تلفن: ۰۹۳۶۰۴۱۶۲۶۰۰۲۱-۸۸۰۹۰۱۷۳
www.eqlima.com info@eqlima.com

بررسی‌نامه: ریزوندی، الهام، ۱۳۶۷ | عنوان و نام پدیدآور: جنگل همیشه رود و درخت و پرند و نیست
(مجموعه شعر) | الهام ریزوندی | مشخصات نشر: تهران: اقلیما، ۱۳۹۴ | مشخصات ظاهری: ۲۱/۵×۱۴/۵×۷۰
س/م/خبر: ۹۷۸-۶۰۰-۷۴۲۶-۱۰-۴ | وضعیت فهرست نویسی: فیا | موضوع: شعر فارسی-قرن ۱۴ | ده
بندی کنگره: ۹۱۳۹۳ ی ۴۴/PIR۸۳۳۵ | ده بندی دیویی: ۸۵۱/۶۲ | شماره کتابشناسی ملی: ۳۵۷+۷۹۸

حق چاپ برای ناشر محفوظ و هر گونه استفاده از مطالب کتاب منوط به کسب اجازه رسمی از ناشر است.

... قهرند ماخه‌های درخت و پرنده‌ها | ۸

چاقو | در بیشه زار سینه و بازویت شیرین نشسته در پی آهوئی | ۱۰

غربت | افتاده خون ماهی سرخی به گردنم | ۱۲

لوییای سحر آمیز | با سنگ‌ها در نگاه تشویش می‌ریزی | ۱۴

عروسی | پایت به سنگ‌فرش خیابان که می‌رسد یک چشم‌پای برای تولد خند می‌زنند | ۱۶

راز پل‌ها | نبض اتاق خوابم دیشب گرفته | ۱۸

آفتاب | پر کرده‌ای جهان تنم را از آفتاب | ۲۰

دختر قبیله‌ی ماهی‌ها | از سنگ‌فرش فاصله‌ها بردار، چشمان گریم‌پوش را | ۲۲

جنگل بلوط | من مثل روزهای بلند کویر لوت | ۲۴

زیر چادرت | پنهان کن آسمان مرا زیر چادرت | ۲۶

یک تنگ عشق و حادثه | سجاده‌ی شکوه جهان پهن است، در چشم‌های کافر معصومت | ۲۸

و خداوند نقطه را آفرید و آفرینش آغازیدن گرفت (انجیل) | دنیا شروع می‌شود از چند

نقطه چین | ۳۰

سرزمین اندوه | من سرزمین خسته‌ی اندوهم، بانخل‌های بسته به زنجیرم | ۳۲

اعتراف | من کافرم، به دور لبانم طواف کن | ۳۳

مرد غیروزه‌های راز آلود | روی چشمان آب جاداری، پدر برکه‌ها و باران‌ها | ۳۶

اتفاق | سبزی زنده امروز خورشید از آتاقم | ۳۸

بی تو | این قصه بی کلاغ به جایی نمی‌رسد | ۴۰

تو را خدا که ببینم | خیال کیست ولیکن برای آغازم | ۴۲

با استقبال از غزلی از بایک بولتری با همین مطلع | در هر مسیر کاغذ هشار می‌زنند | ۴۴

بر عکس آب‌های زمین | هم شکفتن کشتی شعرم را، امواج چشم‌های پریشان | ۴۶

آه‌م ز سقف خانه فراتر نمی‌روم | آه‌م ز سقف خانه فراتر نمی‌روم | ۴۸

قصه‌ی رود و سنگ | دوباره رود نوشتم تو را خورم را سنگ | ۵۰

عاشقت شوم | یک روز می‌رسد که بدون بهانه‌ای، در پشت بیهمای غزل عاشقت شوم | ۵۲

آهن | خورشید گرم نیمه‌ی مُرداد در تنم | ۵۴

زیارت | بیهوده است تاول پاهایم، این جاده را نشانی مقصد نیست | ۵۶

درد | اینجا کسی عبور مراد غزل ندید | ۵۸

یلدا | یلدا منم یک دختر تنها که گیسش | ۶۰

نشانی گنبد | عمرم برای دیدن تو قد نمی‌دهد | ۶۲

سیلی | می‌زنی توی گوش دنیا، تا بفهمم کشیده یعنی مُرد | ۶۴

دوست دارم | آستینم ز شعر تر دوست دارم | ۶۶

باید قطارم را ببندم | این روزها شعری گلویم را گرفته | ۶۸